

# جوانان کمونیست ۷۵

نشریه سازمان جوانان کمونیست

www.jawanan.org

سردبیر: مصطفی صابر

۱۱ بهمن ۱۳۸۱  
۳۱ ژانویه ۲۰۰۳

جمعه ها منتشر میشود

اساس سوسیالیسم  
انسان است.  
سوسیالیسم  
جنبش بازگرداندن  
اختیار به انسان  
است.  
**منصور حکمت**



## علیه جنگ امضاء کنید!

قطعنامه زیر از طرف حزب کمونیست کارگری عراق و حزب کمونیست کارگری ایران خطاب به همه سازمانهای کارگری و احزاب مترقی، به همه دوستان واقعی مردم عراق، انتشار یافت و خواسته شده که قطعنامه زیر را امضاء کنید و دیگران را به امضاء آن تشویق کنید و نسخه ای از امضاء ها را برای ما ارسال دارید. ما امضا کنندگان زیر اعلام میکنیم:

۱- تهاجم آمریکا به عراق موجب کشتار و خانه خرابی بیشتر برای مردم عراق است و عواقب زیانباری را نه تنها در سطح منطقه که در کل جهان بدنبال خواهد داشت. ما تهاجم نظامی به عراق را شدیداً محکوم میکنیم و خواهان پایان دادن به تهدیدات جنگی و لشکرکشی به عراق میباشیم.

۲- محاصره اقتصادی عراق یک حربه کشتار جمعی علیه مردم عراق بوده است. این زورگویی آشکار را محکوم میکنیم و خواهان پایان دادن فوری آن هستیم.

۳- مردم عراق حکومت مستبد و ارتجاعی صدام را نمیخواهند. اپوزیسیون ارتجاعی قومی-اسلامی دست ساز آمریکا را هم نمیخواهند. اینها شایسته مردم عراق نیستند. آزادیهای همه جانبه سیاسی، آزادیهای اجتماعی و مدنی، برابری زن و مرد، آزادی مذهب و بی مذهبی و برابری همه شهروندان حقوق حاشانایزیر مردم عراق است و زیر پا گذاشتن این حقوق از جانب هر کس باید جرم محسوب شود. این آزادیها باید تامین شود تا مردم عراق در شرایطی کاملاً آزاد و امن بتوانند نظام سیاسی مطلوب خود را در عراق تعیین کنند.

۴- همه سازمانهای کارگری، احزاب سیاسی، مردم آزادخواه و انساندوست و دوستان واقعی مردم عراق را به مقابله قاطع با سیاستهای جنگ طلبانه آمریکا و همبستگی با مبارزه مردم عراق برای ایجاد یک نظام آزاد و انسانی فرامیخوانیم.



## فلج شد!

آیا بین سربازان جوانی که چنین با عجله بسوی قتلگاه میروند، و این خبر تلخ رابطه ای هست:

"یک جوان هشتگردی حین خدمت سربازی در یادگان پیرانشهر به علت غفلت (!) مسئولان آن یادگان فلج شد. این جوان به علت تخلفی کوچک به مانند پاهایش به مدت ۲۴ ساعت در آب یخ یادگان جریمه شد که بعد از پایان تنبیه پای جوان هشتگردی فلج شد. بنا به گزارش خبرنگار ایننا وی هم

جای دنیا، از آمریکا تا ایران، از آسیا تا آفریقا، خود ما را، همین جوانها را، میگیرند و به زور و ضرب آب یخ و کلاغ پر و بشین و پاشو، با گرو کشی اقتصادی و هزار فشار سیاسی و فرهنگی دیگر، با عوامفریبی که از "میهن دفاع کنید"، از "تاموس خود پاسداری کنید"، "برای خدا جهاد کنید"، "به جنگ تروریستها بروید" و غیره به جزئی از دستگاه سرکوب و جنگ و ترورشان بدل میکنند. تا بعد ما انسانها را به جان هم بیندازند. خود ما را بدست خودمان ساکت کنند، به کشتن بدهند و به کشتن وابلارند.

جوانان به سربازی نروید! سربازخانه ها را ترک کنید! به سلسله مراتب برده وار ارتش و سپاه و غیره اعتراض کنید. در سربازخانه ها متشکل شوید. ایده شوراهای سربازان را تبلیغ کنید. به جنایاتی که در فوق خیرش آمد بدست اعتراض کنید. نیروهای مسلح جدا از مردم و سرکوبگر، ارتش های مخوف بورژوازی در همه جا باید منحل شوند. آنها باید فلج شوند، نه ما.

**مصطفی صابر:** با تشکر، لطف کنید از موقعیت جوانان در کردستان بگوئید. اعتراض آنها، نقش آنها، خواسته ها و مطالباتشان.

**رحمان حسین زاده:** نسل جوان در کردستان، نسلی پرجنب و جوش، میلیتانت و رادیکال در صحنه سیاسی و اجتماعی جامعه کردستان است. ما صفحه ۲



## جوانان در کردستان

**رحمان حسین زاده از رهبران حزب کمونیست کارگری و مردم کردستان در باره تمایلات سیاسی جوانان و کمونیسم صحبت میکند**

## درسهایی از یک بوسه!

این لیلانی که برصورت جنایتکاری مثل کروی بوسه میگردد، قبلا دست مقامات دست چندم



آمریکایی و ژنرال های ترکیه و حتی صدام حسین را نیز نوازش کرده است. آقای جلال طالبانی که با این همه مکافات برای خود ربع حکومتی به هم زده، هنوز پایش را سفت نکرده حداقل چندین فقره کمونیست کشی، سرکوب شوراهای کارگری، بستن پناهگاه زنان فراری از قتل های ناموسی و میدان

اینرا ما در جریان فروپاشی شوروی و اوچگیری ناسیونالیسم قومی در همه جا دیدیم. تازه آقای طالقانی جزو "خوش شانس" هایش هستند، چرا یک جنبش کمونیستی کارگری و آزادیخواهی قوی در کردستان عراق و ایران جریان دارد که خیلی اجازه خود نشان دادن به ناسیونالیسم نمی دهد. وگرنه بوسه گرم فوق بر چهره یک آخوند مرتجع و یکی از سران جنایتکارترین رژیم های عصر حاضر، نشان میدهد که علاوه بر خوشاوندی عمیق اش با مذهب، چه پتانسیل ضد بشری آماده رها شدنی در ناسیونالیسم زمان ما وجود دارد.

مردم ایران بیش از مردم کردستان عراق باید از این بوسه درس بگیرند. اگر ناسیونالیسم در ایران بالا بگیرد، اگر ناسیونالیسم و عظمت طلبی ایرانی بتواند

## من فقط یک دخترم! اما، اما، اما میخواهم تا جوانم آرزو را ببینم.



### سامره شریف

با سلام به همه خوانندگان نشریه جوانان کمونیست، مخصوصاً به جوانان در ایران که با تلاش و شجاعت این نشریه را بدست می آورند و آنها که مرا از نزدیک میشناسند.

راجع به ستم مذهبی، ارتجاع صفحه ۳

### امید چوری:

فرقی میکند هلا سنگسار من کرد است یا فارس؟! صفحه ۶

### چرا این همه دروغ!؟

مصطفی صابر صفحه ۳

### ناهه های شما، بهرام مدرسی

صفحه ۶

آلترناتیو حکومتی شود، آنگاه ما به یک قهقرای دیگر در جامعه ایران شانس داده ایم. ناسیونالیسم ایرانی به نوبه خود ستم ملی را تشدید خواهد کرد، ناسیونالیسم های قومی را تقویت خواهد کرد و مردم را به جان هم خواهد انداخت، و اتفاقاً مذهب را هم تقویت خواهد کرد.

باید مذهب و ناسیونالیسم هردو را کنار گذاشت. تنها اتحاد وسیع، داوطلبانه و سراسری همه کارگران، همه مردم زحمتکش، همه آزادیخواهان و رای تمایزی های قومی و زبانی و فرهنگی برای ساختن یک جامعه آزاد و برابر میتواند به قهقرای مذهبی فعلی واقعا پایان دهد و جلوی قهقرای ناسیونالیستی را بگیرد. کمونیسم تنها راه نجات مردم ایران است.

# آزادی، برابری حکومت کارگری!

## گفتگو با رحمان حسین زاده دبیر کمیته کردستان حزب کمونیست کارگری

این خصوصیات جوانان را در تحولات و تظاهراتهای سال ۵۷ در شهرهای کردستان و علیه رژیم سلطنت تجربه کردیم. در تلاطم تحولات انقلابی سالهای بعد، در طول حاکمیت جمهوری اسلامی و در ابعاد مختلف اعتراض مردم کردستان چه سیاسی و چه در عرصه نظامی نقش نسل جوان را با برجستگی می‌بینیم. در بررسی تحولات سیاسی پیش از دو دهه در جامعه کردستان، از انقلاب ۵۷ تاکنون به روشنی خلاف جریان بودن و سنت شکنی جوانان قابل مشاهده است. جوانان نسلی گریزان از مذهب و عقب ماندگی، گریزان از نرملهای سنتی موجود و عمدتاً متمایل به رادیکالیسم و نیروی چپ بوده‌اند. صرفنظر از محدودیتها و فشارهایی که در فضای سیاسی جامعه وجود آمده، هر مقطع از سیر تحولات سیاسی جامعه کردستان را در این دو دهه و نیم برش میزنی، متوجه میشوی جوانان بطور عمده خود را به چپ‌ترین گرایش و سازمان سیاسی موجود در صحنه وصل کرده‌اند. شفافتر از گذشته، وضعیت فعلی هم به همین شکل است. این بخش جامعه نیروی موثر تقویت چپ و کمونیسم را تشکیل داده‌اند. جوانان در کردستان نیروی موثری هستند که در اهداف و سیاستها و توابعات و آرزوهایشان کمونیسم کارگری و حزب کمونیست کارگری را با خود منطبق می‌بینند.

البته خصوصیاتی که از آن بحث می‌کنم کمابیش در سراسر ایران به این شکل است، اما اینجا صحبت در مورد جوانان در کردستان متمرکز است و این موقعیت به طور ایزکتیو خود را نشان داده است.

در تظاهراتهای خیابانی ۳-۴ ساله اخیر، در مناسبتهای سر سال نو، در ۸ مارسها و ماه مه‌ماو سالگردهای حزب کمونیست کارگری و... جوانان حضور فعال و مبتکرانه‌ای داشتند و در این مبارزات سراسر خلاصی از دست جمهوری اسلامی و سرنگونی آن را خواستار بودند.

خلاصی از دست جمهوری اسلامی برای نسل جوان دختر و پسر معنایی فراتر از پایان تهدید و سرکوب عریان، زندان و شکنجه و اعدام، ستم و استثمار و تبعیض دارد. خلاصی از دست جمهوری اسلامی در ذهنیت و آرزوی آنها، یعنی خلاصی از بیکاری و بی‌آیندگی، خلاصی از فقر و تباهی، خلاصی از محدودیتهای سرازه ابراز عشق و علاقه و رابطه جنسی آزاد، خلاصی از دخالت در زندگی خصوصی و رفتار فردی آنها، خلاصی از فرسودگی روحی و جسمی، خلاصی از محیط آموزشی و تحصیل اسلامی و خلاصی از جمود فکری و از قید و بندهای اسارت‌بار اسلامی و سنتی، خلاصی از نرملها و قوانین و پوشش اسلامی و خلاصی از موانع سر راه ترقی و

## جوانان کمونیست

تحت تاثیر احزاب بوده است. می‌خواهم این را تاکید کنم جوانان در کردستان عمدتاً بعد حزبی و سیاسی مبارزه علیه جمهوری اسلامی را تجربه کرده‌اند. و به این لحاظ با تجربه‌تر از هم نسلهای خود در سطح سراسری هستند. اما ابعاد دیگر تحریک اجتماعی و سیاسی که در سطح سراسری و در دانشگاهها در محیط آموزشی و در محیطهایی که جوانان تجربه کرده‌اند، برای مثال کشمکشهای فکری، جدل گرایشات، اقدامات فرهنگی و هنری، تشکیل نهاد و کلوبهای مختلف و وجود تشکلهای دانشجویی، استفاده از مجراهای "علنی و قانونی" و مبارزات صنفی در میان جوانان کردستان و دانشگاهها و محیط آموزشی آن تجربه نشده و یا در سطح ابتدایی است. در نتیجه از یک طرف در میان جوانان کردستان شاهد میلیتانی بالایی سیاسی علیه جمهوری اسلامی و آمادگی برای تحزب هستیم و از طرف دیگر ابعاد متنوعتر و پیچیده‌تر تحریک و سازمانیابی در میان جوانان و دانشجویان در کردستان ضعیف است. برای مثال در محیط دانشگاههای موجود در کردستان از "تحریک دانشجویی" آفتاب که در تهران و یا شهرهای بزرگ دیگر هست، نمیتوان اسم برد. البته یک عامل هم اینست که دانشگاه پدیده جدیدی در حیات سیاسی جامعه کردستان است. در مقطع انقلاب ۵۷ تنها یک دانشگاه در شهر سنندج وجود داشت و در یک دهه اخیر تازه چند دانشگاه و دانشکده در شهرهای کردستان بوجود آمده است.

یک ویژگی دیگر اینست که اساساً فضای فکری و سیاسی جوانان در کردستان درست مانند جامعه کردستان عمدتاً از کمونیسم و یا ناسیونالیسم کرد تاثیر می‌گیرد. البته در این تاثیر گذاری موقعیت این دو گرایش به یکسان نیست. صرفنظر از میزان اشاره کرد، نسل جوان جامعه کردستان زمینه و استعداد فراوانی برای پیوستن به چپ و کمونیسم از خود نشان داده است. هژمونی چپ بر فضای سیاسی نسل جوان جامعه ناظر است، تجربه تاکنونی گواه اینست و همه شواهد دل بر اینست کمونیسم کارگری به نیروی موثر جوانان میتواند متکی باشد.

**مصطفی صابو:** یعنی آیا گرایشات اصلی که در مقابل هم قرار گرفته‌اند، کمونیسم و ناسیونالیسم است؟ اینرا کمی مشخصتر بگویید. نفوذ جریانهای ناسیونالیستی کرد، در بین جوانان چگونه است؟ موقعیت گرایش کمونیستی کارگری چطور است؟

**رحمان حسین زاده:** نمایانم عبارت "در مقابل هم قرار گرفته‌اند" چقدر با کشمکش فوالحال این دو گرایش در میان جوانان انطباق دارد، چون کشمکش با جمهوری اسلامی و محدودیات و فشار و آثار و عوارض این رژیم وقت و نیرو و اولویت دیگری را در دستور جوانان به صدر میکشاند. در هر حال آنچه قطعی است این کشمکش در میان این دو گرایش جاریست. انکار

کم هنوز ابعاد و فعالیت سازمان جوانان کمونیست، با واقعیت نفوذ کمونیسم و حزب کمونیست کارگری در کردستان جوانان داشته باشد. نظر شما چیست؟ علت آن چیست؟

**رحمان حسین زاده:** نفوذ و حضور کمونیسم کارگری در کردستان به نحو قابل مشاهدایی به فعالیت و سازمان و شبکه‌های حزبی متشکل از جوانان پرشور تبدیل شده است. حزب کمونیست کارگری دارای شبکه سازمانی آکتیو عمدتاً متشکل از جوانان آگاه و پرشور در شهرهای کردستان است و این اساساً از طریق تشکیلات کردستان حزب و مستقیماً از طریق حزب پیش رفته است. به بیان دیگر حزب و بخش شهر تشکیلات کردستان حزب عملاً وظیفه تاثیرگذاری و سازمانیابی در میان جوانان را هم به عهده داشته است. علت کم‌کاری و یا شانه خالی کردن سازمان جوانان کمونیست از وظایف خود نبوده است.

حقیقتش باتوجه به سابقه قدیمی‌تر سازماندهی فعالیت در شهرها و از جمله در میان جوانان توسط بخش شهر تشکیلات کردستان و با توجه به پیشرفتهای کار و با توجه به این نکته که جوانان مستقیماً به حزب می‌پیوندند، در تلاطم فعالیت گذشته و در یک قرارداد غیر مکتوب و نه چندان رسمی این طرز فکر در میان ما چه به عنوان سازمان جوانان و چه در کمیته کردستان عمل کرده است که ضرورتی به حضور و دخالت و ایفای نقش سیاسی و سازمانی مستقل و مستقیم سازمان جوانان کمونیست نیست. بعد از این توضیحات میتوانم بگویم سازمان جوانان کمونیست هنوز کارش را در کردستان شروع نکرده است. اکنون من متقاعدم که در یک همفکری و هماهنگی بین رهبری سازمان جوانان کمونیست و هیئت اجرایی کمیته کردستان باید نقشه حضور مستقیم سازمان جوانان و نحوه کار سیاسی و سازمانی آن تدوین شود و به موجودیت سازمان جوانان کمونیست در کردستان نیز رسمیت داد. من فکر می‌کنم به این ترتیب فعالیت حزب و سازمان جوانان کمونیست هم‌دیگر را تکمیل میکنند و ابعاد جدیدی از کار و فعالیت بر روی ما میکشاند و کمونیسم کارگری در موقعیت مطلوبتری قرار خواهد گرفت.

**مصطفی صابو:** برای تغییر این وضع و رسیدن به موقعیت مطلوبتری که شما هم اشاره کردید به نظر شما چه باید کرد؟ فراخوان شما چیست؟

**رحمان حسین زاده:** به دو لحاظ بایستی تغییر ایجاد کرد. اول به لحاظ مضمون کار و دوم به لحاظ سازمان و سبک کار. منظورم را بیشتر توضیح دهم. قبلاً اشاره کردم جوانان در کردستان سریع به احزاب و مشخصاً به حزب کمونیست کارگری می‌پیوندند و حزب هم تا آنجا که دسترسی داشته و توانسته است آنها را در شبکه‌های محفلی مربوط به خود، سازمان داده و فعالیتهای سیاسی و حزبی مشخصی در دستور کارشان گذاشته و این شبکه‌ها را به

دخالت‌گری در مبارزه علیه جمهوری اسلامی سوق داده است. به این ترتیب بعد فعالیت حزبی تأمین شده است و البته این خوب است و هیچ ایرادی ندارد. اما ابعاد متنوع‌تر فعالیت و مبارزات متناسب با جوانان مورد توجه قرار نگرفته است. فعالیتهای فکری، فرهنگی و هنری، ورزشی، ایجاد نهادها و کلوبها و تشکلهای خاص جوانان چه در دانشگاهها و دبیرستانها و محیطهای آموزشی و چه در محلات و دیگر مکانهای تجمع و تمرکز جوانان لازمست شکل گیرد. جاری کردن اقدامات سنت شکنانه و خلاف جریان که معمولاً به طور خودبخودی در میان جوانان عمل میکند. اینها و عرصها و اقدامات مشخصی که فعالین و پیشروان کمونیست جوانان در محل میتوانند تشخیص دهند، ابعاد اجتماعی و سیاسی دیگری که حضور موثر جوانان در صحنه و در تقابل با خرافه و ارتجاع و اسلام و ناسیونالیسم می‌بخشد. به نظرم موقعیت کمونیسم کارگری را متحول میکند. دوماً به لحاظ سازمانی جمعها و محافل مستقیماً مربوط به سازمان جوانان کمونیست در شهرها باید سازمان یابند. سازمان جوانان کمونیست دخالت سازمانی و سیاسی خود را تأمین کند. نشریه سازمان جوانان و دیگر اطلاعیه و ادبیات این سازمان در شهرهای کردستان تکثیر و پخش شود. ارتباطات خود را منظم و مرتب کند.

موضوع دیگر اینکه اگر ابعاد جدید کار را تحت پوشش قرار دهیم علاوه بر محلات که سنتا در آنجا حضور خوبی داشتیم، دانشگاههای کردستان و دبیرستانها به مثابه محل تمرکز نسل جوان جایگاه اساسیتری در فعالیت ما پیدا میکنند.

در خاتمه فراخوان من به جوانان در کردستان، در دانشگاهها و دبیرستانها و در محلات اینست جمعها و محافل طبیعی خود را حول سیاستهای حزب کمونیست کارگری و پلاتفرم و سیاست سازمان جوانان کمونیست فعال کنید. علاوه بر حضور موثر در مبارزه علیه جمهوری اسلامی، مبتکر فضای سیاسی و اجتماعی پرتوقع، برابری طلبانه و آزادیخواهانه و مدرن و متمدن باشید. در تقابل با فرهنگ و سنت و عادات عقب مانده اسلامی ناسیونالیستی در کردستان، فرهنگ و سیاست و سنت پیشرو و مترقی را نمایندگی کنید. ابعاد متنوع سیاسی و اجتماعی، فعالیتهای فکری، فرهنگی و ورزشی را سازمان دهید. دست در دست هم بگذارید. در تناسب قوای کنونی ممکن است نهادها و کانونها و کلوبهای مختلف سیاسی، فرهنگی و ورزشی وجود آورد و موجب اتحاد و تشکیل شد. چه در این رابطه و چه به منظور همبستگی عمیقتر و سراسریتر با دانشجویان چپ و پیشرو و محیط دانشگاهی در تهران و شهرهای دیگر ارتباطات را محکم کنید، تجاربتان را منتقل کنید و کسب تجربه کنید. ارتباطات را با حزب کمونیست کارگری و سازمان جوانان کمونیست محکمتر کنید.

## چرا این همه دروغ؟

### مصطفی صابر

وقتی در سال ۹۵ که هنوز فریاد "کمونیسم مرد" بورژواها هوا بود، حزب ما سخنرانی در یکی از شهرهای کانادا داشت. جمعیت نسبتاً زیادی آمده بود. خیلی ها از سر کنجکای میخواستند ببینند که این کسانی که هنوز از کمونیسم دست بر نداشته و تازه حزب کمونیست کارگری را بوجود آورده اند، کی هستند. خیلی ها آمده بودند که ببینند ما کمونیستها چه شکلی هستیم. چه جور حرف میزنیم. آیا سبیل های استالینی داریم؟ لباسهایمان همان ینفورم های خاکستری و وحشتناکی است که در فیلمهای هالیوود نشان میدهند؟ خلاصه تصویری که در ذهن شان داشتند این بود که ما موجودات عجیب و غریب و دگم و عصبی و کله شقی هستیم.

بگذریم. الان در همان شهر (ونکوور) در اعتراضات اخیر پناهندگان علیه دیپورت، ما کمونیستها در راس آن حرکت بودیم و جوانانی که مثلاً فهمیه صادقی را در تلویزیونهای مختلف دیدند که چطور از حقوق پناهندگی و انسانی دفاع میکند، آمدند پای رادیوها و گفتند "زنده باد حزب کمونیست کارگری"، "زنده باد فنراسیون". گفتند: she is my hero!

تعداد اینگونه افراد رو به تزاید است. در عرض همین هشت سال ما از کسانی که مورد کنجکای و حداکثر احترام برخی بودیم به نقطه امید بسیاری تبدیل شده ایم. در سوئد طی همین هفته گذشته کمونیستهای کارگری نگاه کل جامعه

## جوانان کمونیست

سوئد را به خود جلب کردند. ما سمبل دفاع جانانه از حقوق کودک، سمبل مدنیت و آزادیخواهی و انساندوستی شده ایم. نه فقط نزد ایرانی ها، بلکه اروپایی ها. میتوانید به سایت روزنه سر بزیند و ببینید که روزنامه های سوئد و سایر کشورهای اروپایی در مورد ما چه میگویند.

آنچه که در بین ایرانیان خارج کشور اتفاق میافتد در رابطه با اتفاق بسیار عظیم تری است که دارد در ایران می افتد. مردم دارند به چشم خود می بینند که این کمونیستها هستند که مدافع تمام خواستههای انسانی آنها هستند. مردم دارند در ابعاد میلیونی کشف میکنند که کمونیستها دیکتاتور و استالین و کله شق و دگم و خاکستری نیستند. دارند می بینند کمونیسمی که آنها از منصور حکمتی ها می بینند ۱۸۰ درجه مخالف آن حرفهاست. شادند، سرحال اند، مدرن اند، صریح و منصف، سنجیده و پا روی زمین اند. دارند می بینند که کمونیستها آگاه ترین و مصمم ترین آدم هایی هستند که عمیقاً به برابری و آزادی بشر اعتقاد دارند. کجا است آن رجز "کمونیسم مرد" ده سال پیش؟

لااقل در ایران آن رجزخوانی جای خود را به تبلیغات هیستریک و از سر عصیبت داده است. تکه زیر از یک ویلاگ فارسی است که یکی از دوستان گروه جوانان کمونیست

(groups.yahoo.com/group/javananekomunist)

در اختیار ما قرار داده است: وقتی لنین به قلدت رسید برای اینکه هوادارهای خودش رو زیاد کنه اول از همه شروع کرد به ترور مخالفان درجه یک توسط "زتا" بعد از اون هم شروع به تبعید مخالفان درجه ۲ و ۳ کرد به

سیبری! بعد نوبت به کسانی بود که آیند نظام کمونیستی را باید می ساختن یعنی هواداران! در اون زمان بعلت جنگ جهانی و جنگ داخلی روسه بین بلشویک ها "سرخ ها و سفیدها"، روسیه به کشوری بسیار فقیر تبدیل شده بود و مردم در فقر و گرسنگی مطلق بودند. بچه رو در حیاط مدارس جمع میکردن و میگفتن که کی به شما نون میده؟ بعد همه می گفتن خدا!!! بعد می گفتن پس بگین خدا به ما نون بده! همه با صدای بلند می گفتند خدا به ما نون بده .... و بعد می گفتن کو؟ خدا نون داد؟ دیدید که خدا نون نمی ده! حالا بگین لنین به ما نون بده! به محض گفتن این حرف سبدهای نون می ریختن جلوی بچه های گرسنه! و می گفتن دیدین؟! این لنین بود که به شما نون داد!!!! این عمل هم اونها رو بی خدا میکرد و طرفدار لنین!

در حال حاضر هم همین روش به نوعی زیرکانه اعمال میشه! یعنی چه کسی کار میخواد؟ هرکی که بگه درودی ..... و چادر سرش کنه! الکی جانماز آب بکشه و بولا و راست بشه!!! موقع استخدام هم باید از دادگاه نفتیش عقاید اسلامی یعنی امتحان گزینش عبور کنه و نماز بلد باشه و ادای آدم های با خدا رو در بیاره!

می بینید حضرت اجلی که این ها را بهم بافته در چه تنگی قافیبه گیر افتاده است؟ کسی که حتی یک صفحه در باره تاریخ انقلاب روسیه خوانده باشد (حتی از مغرض ترین منابع) میاندک که افاضات فوق یک ذره واقعیت ندارد. یک انقلاب عظیم کارگری که تاریخ جهان را عوض کرد، قدرت را به مردم و به شوراهای کارگران و سربازان سپرد، اداره امور یک کشور قحطی زده را بدست گرفت و با کار

و تلاش خود مردم میلیونها انسان را نجات داد، برابری زن و مرد را بعنوان اولین فرمان هایش اعلام کرد، حقوق مردم زحمتکش و خواستههای آنها را به قانون اساسی کشور تبدیل کرد، انقلابی که بورژواها بعداً مجبور شدند برای شکست آن در لباس استالین برونند و خود را کمونیست بنامند، به اسم پرولتاریا آدم بکشند و استثمار کنند، در آن جملات و کلمات بالا توصیف شده است. این انقلابی بود که برای مثال با یک فرمان تمام ادعاهای ارضی و امپریالیستی روسیه تزاری در قبال ایران (و همه کشورها و ملل تحت ستم تزار) را ملغی کرد و امروز که امروز است همه میلیون محترم و امثال سلطنت طلبی که عبارات فوق را نوشته باید هزار معلق بزنند و از "پوتین" استمالت کنند تا شاید "قرارداد ۱۹۲۱" در مورد دریای خزر را حفظ کند.

این انقلاب چنان عظیم بود و رهبر آن لنین چنان محبوب بود که حتی امثال ملک الشعراهای بهار در وصفش شعر سرودند. حتی امروز هم موساد و سیا و ساوا و ساواک جرئت نمی کنند در باره لنین دروغهای مبتذل فوق را سرهم کنند. (کمی بیشتر روی دروغهایشان کار میکنند!) حضرت آقا این کار را میکند و بعد هم میکوشد داستان مسخره بی خدا شدن بچه های روسیه را به داستان نان به نرخ روز خورهای حکومت اسلامی تشبیه کند. غافل از اینکه ایشان دارد بیش از هر کسی شباهت خود را به حکومت اسلامی و آخوندهای حاکم بر ایران نشان میدهد. یکبار دیگر سطور ایشان علیه کمونیستها را بخوانید تا ببینید چقدر آخوندی است، چقدر مخاطب خود را احق و نادان فرض کرده است،

صفحه ۶

می شودیم، نسل ما نسل قربانی میدان تبهکاری دین جنون و جنایت، دین حقارت زن، است! اما قرار نیست در برهمن پاشنه پچرخد! طوفانی که ما در ایران برپا خواهیم کرد، انقلابی که بی تردید، ما زنان و جوانان نیروی اصلی اش هستیم، دارد قوام می گیرد و جوانه هایش می شکند.

من اطمینان دارم، به همت ما، روزی می آید که ما صاحب خودمان، احساسات و سرنوشتان خواهیم بود! اما، اما، من می خواهم تا جوانم، این روز را ببینم! تا جوانم پرچم اسلام را پایین بکشم، تا جوانم بر خاکستر ویرانه های دین برقصم، شادی کنم، بخوانم، بخندم، عشق بورزم، بیوسم و آرزوهایم را برآورده شده ببینم!

طلایه های این روز را از همین حالا هم می شود دید! در هر خیزش مردم، صف اولش ما جوانان و مخصوصاً دختران جوان هستیم! آری من فقط یک دختر جوان هستم و آرزویم را می خواهم عملی کنم، برای عملی شدن آرزوهای مشترکمان، دست در دست هم، علیه اسلام، علیه حقارت، بیاخیزیم،

من نامه ام را برای نشریه جوانان کمونیست فرستادم که بگویم اگر کسی نمی داند راه کدام است! بداند! اگر کسی نمی داند، دستش را در دست چه کسانی بگذارد بداند!

سکس، و سلیقه جنسی، سیاست، آموزش، ورزش و خلاقیتهای خودشان حرف بزنند. حکومت اسلامی بیش از دو دهه است از جوانان نه می شوند و باز به عبث تلاش می کند که بختک اسلام را بر سرمان بکشد. مقاومت ما آنچنان قوی و بنیادی است، و آنچنان این نسل دارد داغ خودش را بر چهره زمانه اش می زند که این سران این رژیم هر روز ناچار از اعتراف به شکست دیگری می شوند!

وقتی چشم دنیا بر حقایق اسلام و جایگاه زن در اسلام آشنا شود، آتوت معلوم می شود ما در مقابل چه هیولایی مقاومت می کنیم و شاخش را می شکنیم! اینها داشتند خواب دوران اسلام عصر محمد را برای مردم می دیدند!

«حضرت رسول چون اراده جنگ داشتند، با زنان خود مشورت می کردند و آنچه ایشان می گفتند، خلاف آن می کردند. حضرت رسول فرمود، هرکه اطاعت زن خود بکند، خدا او را سرنگون در جهنم اندازد . . .»

حلیته المتقین، محمداً باقر مجلسی

این خنجر زهرآگین را باید برای همیشه در غلاف کرد. ۲۴ سال است که اسلام وحشیانه در ایران می برد و می درد، کف بردهای می آورد و عریده مرگ می کشد. و ما همچنان قربانی

## من فقط یک دخترم!

اسلامی، دشمنی کور و ریشه دار اسلام \_ بنا به آیات قرآن \_ نوشته و نظر کم نیست! تنفر جوانان از اسلام هم چیز تازه ای نیست! اگر فقط یک ساعت آزادی در ایران اسلامزده بوجود بیاید، آتوت دنیا خواهد دید، که جوانان در ایران تا چه پایه از دین متنفرند! اما تنفر جوانان از اسلام یک جنبه بخصوص دارد و آن دختران جوان و رفتار وحشیانه اسلام با آنهاست! این یک ویژگی بخصوص است! رفتار با دختران جوان، یک رکن حساب شده و بسیار فرموله شده اسلامی است.

اگر این حقیقت دارد که اسلام، مخصوصاً از نوع راستین تریش، مثل همه ادیان دیگر، دینی مردانه است، پس تعلق مردانه این دین، آنهم چنین ارتجاعی و بربرمنشانه، مستقیماً به زندگی زنان و دختران جوان مربوط می شود!

دامنه و بعد حقارت زنان در اسلام امری نیست که من بخوام معرفی و یا اثباتش کنم! آنقدر آیه و حدیث و روایت از بانی دین اسلام و جانشینان او مثل ماده میکروبی ذخیره شده باقی مانده که برای نابودی هزاران نسل از بشریت و تباه کردن هست و نیست بشر کافی است.

## نامه های شما

برایمان نظرات و پیشنهاداتتان را بنویسید. هیچ نامهای بی‌جواب نخواهد ماند. برای ارتباط با من میتوانی از آدرسهای پستی و شما تلفنهایی که در این نشریه آمده است و یا از آدرس مایل کنید.

### بهرام مدرسی

دوست عزیز نیما م، نامعات به دستمان رسید و ممنون از توجهت. خوشحالیم از خبری که در رابطه با فضای دانشگاهت به ما دادی. نامهای جداگانه برایت ارسال خواهد شد. مقالاتت را حتما برایمان بفرست. با امید نامعهای بیشتر.

دوستان عزیز گروه . A.S.D.M ممنون از نامعهای محبت آمیزتان، شروع همکاریتان با سازمان جوانان کمونیست را تبریک میگویی. ارتباط گروهها و محافل مختلف با این سازمان امکان عملی متحد و هدفمند را فراهم میکند. نامعهای جداگانه‌ای برایتان ارسال شد.

دوست عزیز رامون، نامم‌محبت آمیزت به مصطفی به دستمان رسید. ممنون از لطف و با امید نامعهای بیشتر

دوست عزیز حامد راد از تهران، طرح بسیار جالبی به دستمان رسید. میکوشیم از آن استفاده کنیم. بازهم برایمان بنویس.

از صفحه ۳

## چرا این همه دروغ

چقدر ریاکارانه و دروغ است، چقدر خالی از هرگونه شرافت و حقیقت دوستی است. چرا ایشان و امثال ایشان به چنین کنجی افتاده اند؟ واضح است. قدرت گیری کمونیسم و آگاهی یافتن کارگر و زحمتکش و مردم آزادیخواه دشمنان مردم

- دوست عزیز نرسی از کرمانشاه، نامعات درباره تظاهراتهای ضد جنگ به دستمان رسید. تظاهراتهای ضد جنگ در سراسر جهان فراخوان داده شده‌اند. اینکه چرا در ایران چنین اعتراضاتی صورت نمیگیرد را شاید باید به حساب شرایطی گذاشت که رژیم اسلامی با آن درگیر است. در کشورهای دیگر اسلام سیاسی در اپوزیسیون است و قطعاً سعی میکند که در اعتراض بحق مردم علیه جنگ شرکت کنند و برای خود حقانیتی بدست آورند و این کمکی است که بوش و دولت آمریکا به کل اسلام سیاسی میکنند. در ایران اما از یکطرف اسلام سیاسی در قدرت است و از طرف دیگر با مردمی روبرو است که میخواهند این رژیم را سرنگون کنند. رژیم اسلامی در ایران بحق مورد تنفر مردم است و نمیتواند به راحتی از این شرایط برای خود مثل برادرزاده‌هایش در لبنان و فلسطین بناحق حقانیتی بخرد. مردم در ایران اگر علیه جنگ به خیابان بیایند، باید بلافاصله علیه خود رژیم اسلامی هم شعار دهند. شاید مردم با توجه به این فاکتور فعلاً علس‌العملی نشان نمیدهند. ممنون و بازهم برایمان بنویس.

- دوست عزیز آزاد حمیدی، نامم‌محبت آمیزت به مصطفی به دستمان رسید. ممنون از لطف و با امید نامعهای بیشتر.

- دوست عزیز آزاد حمیدی، نامم‌محبت آمیزت به دستمان رسید. ممنون از لطف و با امید نامعهای بسیار جالب و خواندنی است. امیلواریم که سایر دوستداران سازمان جوانان کمونیست هم چنین گزارشات را برای ما ارسال دارند.

و همه طرفداران استثمار را به وحشت انداخته است. از حرفهای هفته قبل رفسنجانی (به شماره قبل رجوع کنید) تا دشمنی هیستریک دوم خردادهای قد و نیم قد، لاتییک و مذهبی علیه ما حزب کمونیست کارگری ها، تا شادمانی کیهان از مرگ منصور حکمت تا عبارات هیستریک آقای سلطنت طلبی که ذکرش رفت، همه دارد بر یک واقعیت تاکید میکند: کمونیسم در ایران امروز یک قدرت است.

## ناسیونالیسم کرد یک بار دیگر!

### امید چوری



ماهیت جریان‌ات ناسیونالیستی در کشورهای مختلف جهان روشن بوده و خصوصاً در این اواخر در یوگوسلاوی، رومدا، پاکستان، هند و غیره دیدیم. وقتی که تاریخ کشورهای مختلف را نگاه میکنی در تمام طول تاریخ، مذهب و ناسیونالیسم غیر از منفعت طلبی از ما بهتران و جنگ و دشمنی هیچ ارمغان دیگری برای مردم نداشته اند.

ناسیونالیسم کرد هم تافته جدا بافته ای از آنها نبوده و در طول تاریخ مبارزه خود به کرات اینرا نشان داده است. در این اواخر نمایندگان حزب دمکرات کردستان و سازمان زحمتکشان نشستی با رادیو امریکا (بخش کردی) به همراه نمایندگان جمهوری اسلامی آقایان ادب (نماینده مجلس) و ولدیگی (مسؤل انستیتوی کردی در تهران) داشتند که ماهیت اینها را هرچه بیشتر روشن میکنند.

این نشست به اسم بررسی رخدادهای سال گذشته بوده، ولی محتوای بحث‌ها چیز دیگری را نشان میدهد. ادب که مثل همه ناسیونالیست‌ها خود را نماینده ملت کرد میدانند از پیشرفتهای سال گذشته حرف میزنند و از دستاوردهای ارتجاعی میگویند و نمایندگان دمکرات و سازمان زحمتکشان آنها را تایید میکنند. خیلی که میخواهند انتقاد کنند، نماینده حزب دمکرات از ادب میپرسد که چرا به اعدام ۴ تن از فعالین این حزب اعتراضی نکرده است مخالفت آنها و مطالبه آنها که شدیدتر از برخورد آعاجاری نبوده است! یعنی اینکه خودشان اقرار میکنند که چه قدر در برابر این رژیم هستند و چه مطالباتی را برای مردم دارند. آنها مثل همیشه به جمهوری اسلامی و نمایندگانش نشان دادند که

قومیت و زبان، مدرنیسم میخواهیم رفاه و امنیت و آزادی و برابری میخواهیم و اینها با ناسیونالیسم و مذهب جور در نمیاد. پیشرفته‌ترین برنامه آنها (ناسیونالیستها) فدرالیسم است که بقول خودشان گامی در جهت عدم تمرکز قدرت و دمکراتیزه کردن سیستم کشور است. ولی این هم شعاری واقعا ارتجاعی است که غیر از دسته بندی ملت‌ها و ادامه اختلاف میان آنها ارمغان دیگری ندارد.

اینها، نه ادب و نه احزاب (ناسیونالیست) به اصطلاح اپوزیسیون نمایندند مردم کرد نیستند، یک سری شان که جلا مردم اند و باقی را هم با همین کارهاشان مردم و جوانان ماهیتشان را خوب میشناسند. همه ما میدانیم که جمهوری اسلامی هم رفتنیست و تلاش اینها برای دست یابی به قدرت در کنار جمهوری اسلامی بیفایده است. این خود مردم هستند که باید برای سرنشستان تصمیم بگیرند و ما نمیخواهیم که دوباره جنگ و خونریزی را تجربه کنیم. به اندازه کافی دیده ایم. برنامه حزب کمونیست کارگری (یک دنیای بهتر) به خوبی جواب تمام مشکلات را داده است. آنرا بخوانید. تنها راه نجات ما دور انداختن سنتها و افکار دست و پا گیر در جامعه است. برای رسیدن به آرزوهای انسانی به ما پیوندید.

منتظر چراغ سبز آنها هستند. خواسته های آنها آنقدر پایین است که حتی ادب اشاره میکند که چیزی را که آقایان میگویند، ما به کرات در روزنامه های ایران نوشته ایم.

فکر میکنم همین چند جمله بالا برای نشان دادن ماهیت ناسیونالیست های به اصطلاح اپوزیسیون و خواسته های آنها کافی باشد. و ما مردم کردستان و جوانان که تجربه رژیم کثیف اسلامی را داریم و نمایندگان آنرا به خوبی میشناسیم، میدانیم که اینها میخواهند مردم را فقط عقب و عقبتر ببرن. تمام تلاش جناح دو خرداد مگر

نه این است که قانون اساسی جمهوری اسلامی را پیاده کند؟ کجای این قانون انسانی است و به نفع توده مردم زحمتکش؟ که نوع کردی ناسیونالیستی آن باشد؟ من بعنوان یک جوان کرد، اگر آزادی نداشته باشم، اگر رفاه و امنیت نداشته باشم، اگر کار نداشته باشم، برام چه فرقی استاندارم کرد است یا فارس؟ اگر به من توهین بشه، تحقیر بشم، برام چه فرق داره که آقا پلیسه کردی به ام توهین کنه یا فارسی؟ بعنوان یک زن وقتی تو جامعه نصف مرد به حساب بیام و هیچ اختیاری نداشته باشم، برام مهم نیست ملا و وحشی هایی که منو سنگسار میکنند کرد اند یا فارس. ما جوانها، ما مردم ایران، از هر

### طول موج

## رادیو انترناسیونال

به اطلاع میرسانیم که برنامه های رادیو انترناسیونال روی طول موج زمستانی ۴۱ متر برابر با ۷۴۹۰ کیلو هرتز ساعت ۹ شب به وقت تهران پخش میشود. Payamgir radio: +46 8 659 07 55 Tel: +44 771 461 1099 & +46 70 765 63 62 Fax: +44 870 129 68 58 radio7520@yahoo.com www.radio-international.org

## تلفنهای تماس با دبیران سازمان جوانان کمونیست:

0045 51 80 26 10	شیوا فرمند	دانمارک:
0044 776 110 66 83	سرور ملائکه	انگلستان:
0049 171 15 47 661	امید چوری	آلمان:
0046 736 50 80 40	آزاد خدری	سوئد:
001 416 69 80 358	مهدی شهابی	کانادا:
00905552048603		ترکیه:
0046 70 48 68 647	مریم طاهری	دبیر تشکیلات خارج:
0049 174 944 02 01	بهرام مدرسی	دبیر کمیته مرکزی:
001- 416 434 15 45	ثریا شهابی	مشاور دبیر:
fax:001 416 434 154 5	Jawanan	آدرس پستی:
bahram-modarresi@web.de	Postfach 620 515	ئی میل:
	10795 Berlin	
	Germany	

## به سازمان جوانان کمونیست پیوندید!

## جوانان کمونیست

نشریه سازمان جوانان حزب کمونیست کارگری ایران

مصطفی صابر  
mosaber@yahoo.com  
Tel: 001 604 730 5566

از این سایت ها دیدن کنید:  
www.jawanan.org  
www.m-hekmat.com  
www.rowzane.com  
www.hambastegi.org  
www.medusa2000.com  
www.wpiran.org  
www.childrenfirstinternational.org